



تفسیر انجیل متی
برای مشاوران مسیحی

**The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی
مرجع: جی آدامز

پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۱۳

- ۱: همان روز، عیسی از خانه بیرون آمد و کنار دریا بنشست.
- ۲: اما چنان جماعت بزرگی او را احاطه کردند که سوار قایقی شد و بنشست، در حالی که مردم در ساحل ایستاده بودند.
- ۳: سپس بسیار چیزها با مثلها برایشان بیان کرد.
- گفت: « روزی بزرگی برای بذرافشانی بیرون رفت.
- ۴: چون بذر می پاشید، برخی در راه افتاده و پرندگان آمدند و آنها را خوردند.
- ۵: برخی دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد که خاک چندانی نداشت؛ پس زود سبز شد، چرا که خاک کم عمق بود.
- ۶: اما چون خورشید بر آمد، بسوخت و چون ریشه نداشت، خشکید.
- ۷: برخی میان خارها افتاد، و خارها نمو کرد، آنها را خفه کرد.
- ۸: اما بقیه بذرها بر زمین نیکو افتاد و بار آورد: بعضی صد برابر، بعضی شصت و بعضی سی.
- ۹: هر که گوش دارد، بشنود.»

جمعیت کنار ساحل چنان زیاد شده بود که عیسی جائی برای صحبت نداشت، و در نتیجه وارد قایقی شد و برای تعلیم دادن بنشست (۲). تعلیمش نیز از طریق مثال ها بود. مثال (mashal به عبری) برای تعریف موضوع مفید بود، و حقایق را به یاد می سپرد (تنها لازم است نام فرزند گم شده را به زبان آورید، و کل ماجرا به یادتان می آید). از طرفی نیز، امکان میداد حقیقت را برای کسانی که پذیرای آن بودند فاش کند، ولی برای بقیه نه. مثال بزرگ، ملاکی است برای تفسیر بقیه مثال ها، چون آن را عیسی خودش تفسیر نمود. مثال قابل درکی است. وقتی پیام به مردم داده می شود، چهار نوع واکنش مشاهده می کنیم. سه نوع اول منفی می باشند، و تنها مثبت نوع چهارم.

- ۱۰: آنگاه شاگردان نزد او آمدند، پرسیدند:
 «چرا با این مردم با مثلها سخن می گویی؟»
 ۱۱: پاسخ داد: «درک رازهای پادشاهی آسمان به شما عطا شده است،
 اما نه به آنان.
 ۱۲: زیرا به آن که دارد، بیشتر داده خواهد شد
 تا به فراوانی داشته باشد،
 و از آن که ندارد، همان که دارد نیز گرفته خواهد شد.
 ۱۳: از این رو با ایشان به مثلها سخن می گویم، زیرا:
 «می نگرند، اما نمی بینند؛
 گوش می کنند، اما نمی شنوند و نمی فهمند.
 ۱۴: نبوت اِسعیا در مورد آنها تحقق می یابد که می گوید:
 «به گوش خود خواهید شنید، اما هرگز نخواهید فهمید؛
 به چشم خود خواهید دید، اما هرگز درک نخواهید کرد.
 ۱۵: زیرا دل این قوم سخت شده،
 گوشهایشان سنگین گشته،
 و چشمان خود را بسته اند، مبادا با چشمانشان ببینند،
 و با گوشهایشان بشنوند و در دلهای خود بفهمند
 و بازگشت کنند و من شفایشان بخشم».
 ۱۶: اما خوشا به حال چشمان شما که می بینند و گوشهای شما که می شنوند.
 ۱۷: آمین، به شما می گویم،
 بسیاری از انبیا و پارسایان مشتاق بودند آنچه را شما می بینید، ببینند و ندیدند،
 و آنچه را شما می شنوید، بشنوند و نشنیدند.
 ۱۸: «پس شما معنی مثل برزگر را بشنوید:
 ۱۹: هنگامی که کسی کلام پادشاهی آسمان را می شنود اما آن را درک نمی کند،
 آن شریر می آید و آنچه را در دل او کاشته شده، می رباید.
 این همان بذری است که در راه کاشته شد.
 ۲۰: و اما بذری که بر زمین سنگلاخ افتاد کسی است
 که کلام را می شنود و بی درنگ آن را با شادی می پذیرد،
 ۲۱: اما چون در خود ریشه ندارد، تنها اندک زمانی دوام می آورد.
 وقتی به سبب کلام، سختی یا آزاری بروز می کند، در دم می افتد.
 ۲۲: بذری که در میان خارها کاشته شد، کسی است که کلام را می شنود،
 اما نگرانیهای این دنیا و فریبندگی ثروت،
 آن را خفه می کند و بی ثمر می سازد.
 ۲۳: اما بذری که در زمین نیکو کاشته شد کسی است
 که کلام را می شنود و آن را می فهمد
 و بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می آورد.»

اینجا قبل از تفسیر مثال برزگر، عیسی دلیل استفاده از مثال ها را برای شاگردانش عنوان می کند. ابتدا می گوید، "درک رازهای پادشاهی آسمان به شما عطا شده است اما نه به آنان" (۱۱). یعنی آنها قبلاً روح القدس را دریافت کرده بودند، و اوست که امکان برداشت از "رازهای پادشاهی آسمان" را به آنها داد (گوش شنوا)، اما بقیه آنچه از پیام شنیده بودند را از دست می دهند چون از آن پیروی نکردند (هضم نشده). کسانی که می شنوند، ولی از آن پیروی نمی کنند، همان بذری هستند که در سه زمین اول کاشته می شوند. می گوید "به گوش خود خواهید شنید، اما هرگز نخواهید فهمید" (۱۴). فهم خدا را تنها روح القدس می دهد. و به کسانی که برداشت می کنند، حتی بیش از نیازشان به آنها می دهد (۱۲). یکی از خصوصیات روح القدس، تشنگی است که برای مکتب زندگی روحانی ایجاد می کند. هر چه از خدا برداشت کنیم کافی نیست (خدا بی نهایت است). بسیاری از متقاضیان تشنگی شناخت بیشتر از خدا را از دست داده اند. به شما پناه می آورند تا تنها مسئله شان حل شود. مشاوران باید این نکته مهم را برای متقاضیان روشن کنند؛ ما مسائل زندگی مردم را حل نمی کنیم. ما کمک می کنیم مردم خدا را بشناسند، و او را در زندگی پیروی نمایند و به این گونه، حل مسئله را دریافت نمایند. و بهترین راه برای آن، استفاده از مسائل زندگی در این دنیا است، چونکه در زندگی بهستی، مسئله وجود ندارد.

در آیه ۱۵، اشکال اصلی آنکه مردم می شنوند، اما برداشت نمی کنند را عیسی در نوع دلشان (چهار نوع زمین) نام برد. درک انسان در دل اوست. اگر روح القدس حضور داشته باشد، در عهد قدیم پیش بینی شده که آن "دل سنگی را از پیکر شما به در آورده، دلی گوشتین به شما خواهم داد" (حزقیال ۳۶: ۲۶). سپس عیسی به تفسیر مثال برزگر پرداخت (۱۸-۲۳). می گوید، "هنگامی که کسی کلام پادشاهی آسمان را می شنود اما آن را درک نمی کند، آن شیر می آید و آنچه را در دل او کاشته شده، می رباید" (۱۹). درک پیام خدا تنها توسط روح القدس صورت می گیرد. اما پیام باید شامل زندگی بوده باشد تا دوام آورد. نباید فراموش کرد که شیطان همیشه در کمین است، و آنچه کاشته شده، اگر میوه روح القدس (شامل زندگی) را بار نیآورده باشد، دچار دستبرد شیطان خواهد شد - "این همان بذری است که در راه کاشته شد" (۱۹). بعضی پیام را می شنوند ولی عکس العملشان تنها احساسات است. ایمانشان بکار نی افتاده. این بذری است که در "سنگلاخ" افتاد. نفر سوم پیام را می شنود و درک نیز می کند، اما بخاطر مسائل دیگری (مانند پول) که نگران آن می باشد، میوه نمی آورد. این سه عکس العملی است از کسانی که نجات را دریافت نکردند. هر سه شخص، پیام را شنیدند، اما اعتباری به آن ندادند.

در مشاوره مسیحی آنچه گفته می شود (چه از جانب متقاضی یا مشاور)، بر مبنای کلام خدا استوار است. ابتدا کلام (آنچه خدا راجع به موضوع گفته) به متقاضی داده می شود تا سوالات مربوط را پاسخ دهد و بعداً در مورد جواب ها، گفتگوی لازم انجام می گیرد. **XXXX**

در آیه ۲۳ عیسی می گوید، بذری که در زمین "نیکو" کاشته شد، "بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می آورد". زمین "نیکو"، دل انسانیت که ختنه شده و روح القدس ("نیکو") را در وجود خود یافته. پیام را (آیات کلام) تنها روح القدس قابلیت هضم آن را دارد. آیات قدوس + روح قدوس = قدوسیت ("ثمر"). میوه روح القدس که در جلسات مشاوره بدست می آید نیز، بعضی "صد، شصت یا سی برابر ثمر" می آورند. اما همه، رشدشان یکسان نیست. بنیاد انتضار داشت عکس العمل ها یکی باشد. همه بستگی به برداشتی است که متقاضی از کلام بدست می آورد. باید برداشت از کلام را بتوان در 'محور تنگ و باریک' (کتاب 'مکتب روحانی مشاوره مسیحی') بررسی کرد، تا بتوان برداشت صحیح را مطالبه کرد. اوست که مجری کار است (پاسخ به سوالات و انجام آنچه خدا می خواهد)، و اوست که شاهد برداشت خود خواهد بود.

- ۲۴: عیسی مَثَل دیگری نیز برایشان آورد:
 «پادشاهی آسمان همانند مردی است که در مزرعه خود بذر خوب پاشید.
 ۲۵: اما هنگامی که مردمان در خواب بودند،
 دشمن وی آمد و در میان گندم، علف هرز کاشت و رفت.
 ۲۶: چون گندم سبز شد و خوشه آورد، علف هرز نیز ظاهر شد.
 ۲۷: غلامان صاحبخانه نزد او رفتند و گفتند:
 «آقا، مگر تو بذر خوب در مزرعه ات نکاشتی؟ پس علف هرز از کجا آمد؟»
 ۲۸: در جواب گفت: «این کار دشمن است.»
 غلامان از او پرسیدند: «آیا می خواهی برویم و آنها را جمع کنیم؟»
 ۲۹: گفت: «نه! اگر بخواهید علفهای هرز را جمع کنید،
 ممکن است گندم را نیز با آنها از ریشه برکنید.
 ۳۰: بگذارید هر دو تا فصل درو با هم نمو کنند.
 در آن زمان به دروگران خواهم گفت
 که نخست علفهای هرز را جمع کرده دسته کنند تا سوزانده شود،
 سپس گندمها را گرد آورده، به انبار من بیاورند.»
 ۳۱: عیسی برای آنها مَثَل دیگری آورد:
 «پادشاهی آسمان همچون دانه خردلی است
 که کسی آن را گرفت و در مزرعه اش کاشت.
 ۳۲: با اینکه دانه خردل از همه دانه ها کوچکتر است، اما چون می روید
 بزرگتر از همه گیاهان باغ شده، به درختی بدل می شود،
 چندان که پرندگان آسمان آمده، در شاخه هایش آشیانه می سازند.»
 ۳۳: سپس برایشان مَثَل دیگری آورده،
 گفت: «پادشاهی آسمان همچون خمیرمایه ای است که زنی برگرفت
 و با سه کیسه بزرگ آرد مخلوط کرد تا تمام خمیر ور آمد.»
 ۳۴: عیسی همه این مطالب را با مَثَلها برای جماعت بیان کرد
 و بدون مَثَل به آنها هیچ نگفت.
 ۳۵: این واقع شد تا کلام نبی به انجام رسد که گفته بود:
 «دهان خود را به مَثَلها خواهم گشود،
 و آنچه را از آغاز جهان مخفی مانده است، بیان خواهم کرد.»
 ۳۶: سپس عیسی جمعیت را ترک گفت و به داخل خانه رفت.
 آنگاه شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: «مَثَل علفهای هرز مزرعه را برای ما شرح بده.»
 ۳۷: او در پاسخ گفت: «شخصی که بذر خوب در مزرعه می کارد، پسر انسان است!»
 ۳۸: مزرعه، این جهان است؛ و بذر خوب، فرزندان پادشاهی آسمانند.
 علفهای هرز، فرزندان آن شریرند؛
 ۳۹: و دشمنی که آنها را می کارد، ابلیس است.
 فصل درو، پایان این عصر است؛ و دروگران، فرشتگانند.

در مورد ملکوت آینده خدا، عیسی مثال دیگری را آورد (۲۴-۳۰). اینجا موضوع خود پیام نیست، بلکه ماهیت آن است. این ملکوت، از افرادی ساخته شده که هم ایماندارند و هم بی ایمان. مزرعه یکیست، اما ابتدا بذر خوب در آن کاشته می شود، و در این میان شیطان "علف هرز" را میان بذر ها می کارد، و چون همشکل بهم رشد می کنند، نمی توان میانشان تشخیص داد. تفسیر این مثال در آیات ۳۶ تا ۴۳ آمده است. در آیات ۳۱ تا ۳۳ به دو مثال کوتاه برخورد می کنیم. مثال تخم خردل می گوید کلیسای عیسی ابتدا رشد کوچکی خواهد داشت، ولی نهایتاً شامل اکثر قوم و خویشاوندان دنیا خواهد گردید. اما بگونه ای که مثال بعدی نشان می دهد؛ رشد آن بی سر و صدا، و از یک نفر به نفر دیگر خواهد بود. در آیه ۳۷ عیسی مثل "علف هرز" را شرح می دهد. عیسی بذر افشان است، و دنیا "مزرعه" او.

- ۴۰: همان گونه که علفهای هرز را جمع کرده در آتش می سوزانند، در پایان این عصر نیز چنین خواهد شد.
- ۴۱: پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر چه را که باعث گناه می شود و نیز تمام بدکاران را از پادشاهی او جمع خواهند کرد
- ۴۲: و آنها را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود.
- ۴۳: آنگاه پارسایان در پادشاهی پدر خود، همچون خورشید خواهند درخشید. هر که گوش دارد، بشنود.
- ۴۴: «پادشاهی آسمان همچون گنجی است پنهان در دل زمین که شخصی آن را می یابد، سپس دوباره پنهانش می کند و از شادمانی می رود و آنچه دارد، می فروشد و آن زمین را می خرد.
- ۴۵: «همچنین پادشاهی آسمان مانند تاجری است جویای مروارید های نفیس.
- ۴۶: پس چون مروارید بسیار با ارزشی می یابد، می رود و آنچه دارد، می فروشد و آن مروارید را می خرد.
- ۴۷: «و باز پادشاهی آسمان مانند توری است که به دریا افکنده می شود و همه گونه ماهی داخل آن می گردد.
- ۴۸: هنگامی که تور پر می شود، آن را به ساحل می کشند. سپس می نشینند و خوبها را در سبد جمع می کنند، اما بدها را دور می اندازند.
- ۴۹: در پایان این عصر نیز چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند آمد و بدکاران را از میان درستکاران بیرون خواهند کشید
- ۵۰: و آنها را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود.»
- ۵۱: سپس پرسید: «آیا همه این مطالب را درک کردید؟» پاسخ دادند: «بله!»
- ۵۲: عیسی فرمود: «پس، هر عالم دین که درباره پادشاهی آسمان تعلیم گرفته باشد، همچون صاحبخانه ای است که از خزانه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می آورد.»
- ۵۳: چون عیسی این مثلها را به پایان رسانید، آن مکان را ترک گفت
- ۵۴: و به شهر خود رفته، در کنیسه به تعلیم مردم پرداخت. مردم در شگفت شده، می پرسیدند:
- «این مرد چنین حکمت و قدرت انجام معجزات را از کجا کسب کرده است؟»
- ۵۵: مگر او پسر آن نجار نیست؟ مگر نام مادرش مریم نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟
- ۵۶: مگر همه خواهرانش در میان ما زندگی نمی کنند؟ پس این چیزها را از کجا کسب کرده است؟»

او فرشتگانش را خواهد فرستاد تا ایمانداران را از بی ایمانان جدا سازند (۴۱). ما مشاوران مسیحی همه متقاضیان را عضو کلیسا می‌شماریم، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. و می‌گویید نهایتاً (۴۲)، آنکه بی ایمان است نیز در این زندگی و زندگی بعدی، شامل آتش سوزان شیطان خواهد گردید؛ "علفهای هرز را جمع کرده دسته کنند تا سوزانده شود" (۳۰). شیطان تنها مربوط به آخرت انسان نیست، بلکه در همین حال نیز در کار است.

اما، خبر خوشایندی نیز هست؛ "آنگاه پارسایان در پادشاهی پدر خود، همچون خورشید خواهند درخشید" (۴۳). نور خدا قویتر از نور خورشید است، چون حیات را در بطن خود دارد. و آنکه آن نور را می‌افشاند، مُمد حیات خواهد بود. عیسی در ادامه می‌گوید، "هر که گوش دارد، بشنود"، به آن معنی که گوش شنوا (خواستن + کوبیدن + روح القدس) را لازم دارد، تا بتواند بر موانع شیطان قلبه کند و برداشت از خدا را بدست آورد.

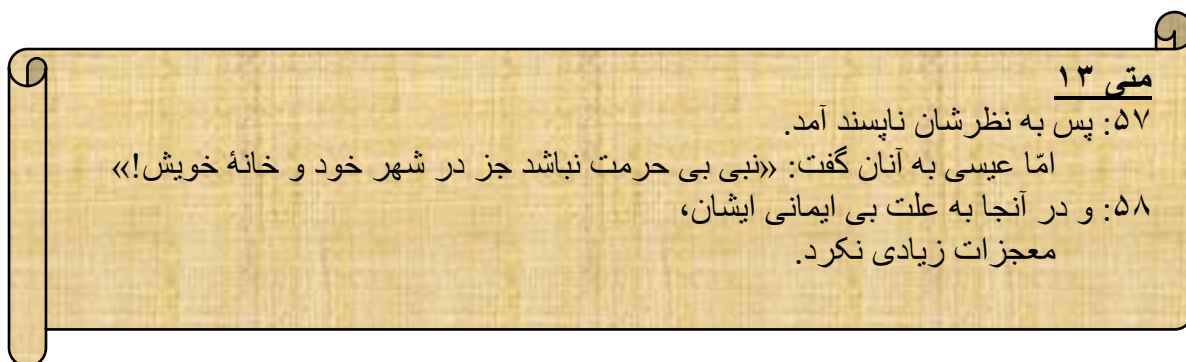
مثال بعدی مربوط به ارزشی است، که ملکوت خدا دارد (۴۴). آنگونه است، که انسان هر چه دارد را می‌فروشد، تا آن را بدست آورد. نشان می‌دهد که ملکوت عیسی از اهمیت بیشتر، ارزش بیشتر، و لزوم بیشتر، از هر چه انسان بخواهد برخوردار است. دوباره مثال دیگری را در همین رابطه، آن را "مروارید بسیار با ارزشی" (۴۶) تعریف می‌نماید. این دو مثال، دیدگاه مختلفی از ملکوت خدا را نشان می‌دهند، بگونه‌ای که اولی می‌گوید، ("همچون گنجی است پنهان در دل زمین") یعنی همه چیز را از دست داد تا آن زمین را بدست آورد (ثبت نماید)، و دومی می‌گوید، "مانند توری است که به دریا افکنده می‌شود". این دو، منابع خوراک مردم را مد نظر قرار می‌دهند، و اهمیت خوراک روحانی را اینگونه نشان می‌دهند. مثال‌های بجائی است برای استفاده در مشاوره مسیحی. تنها زمانی که متقاضی از جوانب روحانی افکار و تمایلاتش آگاه می‌شود (زمینه‌سازی برای کار روح القدس)، زمانیست که می‌تواند برداشت لازم خود را از آیات کلام بدست آورد. ابتدا، زمینه کار روح القدس (۱) باید فراهم بشود، و آنوقت است که متقاضی در مسیر برداشت از خواست خدا، حرکت خواهد نمود.

مثال دیگری که نمای تور ماهی‌گیری را به ذهن می‌آورد (۴۷-۵۰)، و انواع ماهی خوب و بد را در خود جمع کرده است. اینجا نیز ایمانداران را می‌بینیم که ("خوبها را در سبد جمع می‌کنند") از صافی روح القدس رد شده و به خدا می‌پیوندند (۴۸). منظور اینست که خدا درون‌گراست (روح القدس)، و آنچه از او نیست را رد خواهد نمود. حکمت خدا (کلام) ابتدا بر درون دل هضم می‌شود، و سپس میوه آورده، "بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می‌آورد" (۲۳).

در آیه ۵۱، عیسی از شاگردانش می‌پرسد "آیا همه این مطالب را درک کردید؟". نکته مهمی را برای مشاوره عنوان می‌نماید. از متقاضی بخواهید او راجع به آیات کلام صحبت کند، و شما بر اساس آن تصحیح یا تصدیق کنید و ادامه دهید. البته حکمت زندگی خداگانه، شامل دانش خداست که همان برداشت از آیات است، و کاربرد خدا از دانش خود در زندگی (اشعیا ۵۵: ۸، ۹).

عیسی در آیه ۵۲، روی صحبتش با کشیش‌ها و معلمین کلیسا است. می‌گوید، "از خزانه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد"، به آن معنی که، فرق میان دین و خدا را نشان می‌دهند. دین راهیست که انسان خود برای رسیدن به خدا ساخته (و می‌دانیم که نمی‌رسد)، اما مسیح راهیست که خدا با فدای جان خود مهیا کرد، و آنکه توبه نسبت به زندگی دنیوی خود کرده، جوانب زندگی خود را در معرض آزمایش خدا قرار خواهد داد. چون نه تنها ترسی در کار نیست، بلکه برکت خداست که شامل زندگی بهشتی نیز می‌باشد. اغلب مردم دنیا مسیحی را دین می‌شمارند، چون از دین یهود ظاهر شده و شباهاتی با آن دارد. اما کسی به آنها نگفته، "خدا با سخن گفتن از عهدی جدید"، آن عهد نخست را کهنه می‌سازد؛ و آنچه کهنه و قدیمی می‌شود، زود از میان خواهد رفت" (عبرانیان ۸: ۱۳). مسئله اینجاست که کلیسا جنبه عملی کلام خدا را (عملی نه تنها علمی) بکار نبرده، و در نتیجه تنها دانش (افکار) خدا را رواج داده است. در صورتی که خدا صحبت

از منا در عهد قدیم، و نان روزانه در عهد جدید کرده، و هشدار از برداشت بدون هضم منا/نان را نیز داده. مثال های داده شده، همه نشانگر درونگرایی است که باید انجام گیرد، تا بیرونگرایی خداگانه ظاهر شود. عیسی سپس آنجا را ترک کرد و به تعلیم در در شهر خود پرداخت (۵۳ و ۵۴). او را مردم از قبل می شناختند، ولی بدون توجه به آنچه می گوید، متعجب شده بودند که چقدر فرق کرده! کسی که ایمان می آورد، طبیعت جدیدی را بدست می آورد و همان باعث تغییر افکار و رفتار او می گردد. انسانی است با همان ظاهر، اما با شخصیتی نو. چون این عکس القعمل ها نشانگر ادامه بی ایمانشان بود، آنها را ترک کرد. بله، آنچه از قبل مانده، همیشه جلودار (مخالف) آنچه تازه است. شراب کهنه را نباید در جام تازه گنجانید. جنگ میان روح القدس و روح شیطان است.



مردم شهر، قبلاً او را به عنوان پیامبر ("نبی") نمی شناختند و به این خاطر عیسی می گوید، "نبی بی حرمت نباشد جز در شهر خود و خانه خویش! (۵۷). علامت تعجب آخر این آیه نشانگر ابهامی است که در مورد آن هنوز وجود دارد. چرا مردم کسی که تغییر کرده را قبول نمی کنند؟ چون نمی خواهند زحمت شناخت و طریق برخورد تازه را به خود بدهند. نهایتاً نیز (۵۸) عیسی، "در آنجا به علت بی ایمانی ایشان، معجزات زیادی نکرد".

فهرست زیر نویس های فصل سیزدهم

(۱) زمینه سازی روح القدس را در آخر فصل دوازدهم مشاهده نمائید.